

تعیین ساختار روابط بین اعضای خانواده بر اساس ویژگی‌های شخصیتی

فهیسه صادقی زمانی^۱، محمد حسین ضرغامی^۲

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۲/۱۴

تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۷/۱۱

چکیده

پژوهش حاضر به منظور تعیین ساختار روابط بین اعضای خانواده بر اساس ویژگی‌های شخصیتی، انجام گردید. روش پژوهشی پیمایشی-اکتشافی از نوع همبستگی بود. با روش تصادفی خوشه‌ای از میان خانواده‌های دارای دختر دبیرستانی مناطق ۱ و ۳ شهر تهران، نمونه‌هایی (داده‌های تمیز) با حجم ۴۱۶ نفر در قالب ۱۳۰ خانواده (واحد مورد مطالعه) انتخاب شدند. به منظور گردآوری داده‌ها از پرسشنامه ویژگی‌های شخصیتی NEO-FFI استفاده گردید. نمایش گرافیکی بر اساس داده‌های جمع‌آوری شده از طریق تکنیک تحلیل شبکه (نظریه گراف) و الگوریتم فروترمن-رینگولد با استفاده از بسته‌های نرم افزاری bootnet و qgraph در نرم افزار R تجزیه و تحلیل شد. الگوهای رسم شده نشان داد که در خانواده‌ها، پدر-مادر کوتاهترین فاصله شخصیتی را میان اعضاء خانواده دارند. ارتباط بین تمام اعضای خانواده، غیراز دو رابطه، در خانواده‌های پنج نفره مثبت و معنادار بود. در خانواده‌های سه و چهار نفره، مادر و در خانواده‌های پنج نفره، پدر مرکزیت را بین اعضای خانواده داشتند. این نتایج با نتایج بعضی از مطالعات با بوم شناخت متفاوت (سایر کشورها) یکسان است.

واژگان کلیدی: تحلیل داده‌های شبکه‌ای، ساختار روابط خانوادگی، نظریه گراف، شخصیت، نرم افزار R.

۱. کارشناس ارشد روان‌شناسی تربیتی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

rsz7173@gmail.com

۲. مرکز تحقیقات علوم رفتاری، پژوهشکده سبک زندگی، دانشگاه علوم پزشکی بقیه الله. تهران، ایران. (نویسنده

مسئول) Corresponding Email: zar100@gmail.com

مقدمه

شخصیت^۱ را می‌توان الگوی نسبتاً پایدار صفات، گرایش‌ها یا ویژگی‌هایی دانست که تا اندازه‌ای به رفتار افراد دوام می‌بخشد (فیست و فیست، ۲۰۰۲). بنابراین شخصیت به عنوان مجموعه‌ای از رفتارهای عادی، شناختی و الگوهای احساسی تعریف شده است که از عوامل بیولوژیکی و محیطی شکل و تکامل می‌یابد (کور و ماتوز، ۲۰۰۹).

صفات و ویژگی‌های شخصیتی الگوهایی از افکار و رفتارهایی را که منعکس‌کننده ساختارهای پیچیده هستند، به دست می‌آورند (مک کری و کاستا، ۲۰۰۳)؛ توماس و چس^۳ (۱۹۹۷) و در واقع شخصیت یک ساختار وسیعی است که به عنوان منعکس‌کننده طیف گسترده‌ای از صفات فراتر از خلق، از جمله هوش، ویژگی‌های انگیزشی پویا (کتل و کلاین^۴، ۱۹۷۷) و تعامل رخدادهای محیطی، رفتار و عوامل فردی (مک کری، ۲۰۱۱) می‌باشد (وکسلر، بنسون، ماچادو، آنتونا باچورد، فرناندز گومز و همکاران، ۲۰۱۸).

بنابراین شخصیت، مجموعه‌ای از ویژگی‌هایی است که افراد را از یکدیگر متمایز کرده و بر نحوه ارتباط با دیگران تأثیر می‌گذارد و تنوع ژنتیکی و شرایط فرهنگی است که این تفاوت‌ها را به وجود می‌آورند. مدل پنج عامل به‌عنوان یکی از کارآمدترین و جامع‌ترین نظریه‌های مطرح شده در باب شخصیت، یک روشی تقریباً همه‌جانبه است و برای توضیح این که چگونه افراد به‌طور خاص، خود و شخصیت دیگری را توصیف می‌کنند، به کار می‌رود، هرچند به آن نقدهایی نیز شده است. مک کری و کاستا (۱۹۸۷) و جان^۵ و همکاران (۲۰۰۸) بیان می‌دارند که پنج عامل اصلی یا ابعاد شخصیت با عناوین

-
۱. personality
 ۲. Mc Care & Costa
 ۳. Thomas & Chess
 ۴. Cattell & Kline
 ۵. John
 ۶. Neuroticism
 ۳. Extraversion
 ۴. Openness
 ۵. Agreeableness
 ۶. Conscientiousness
 ۷. Koerner & Fitzpatrick
 ۸. Network

روان‌رنجوری^۲، برون‌گرایی^۳، باز بودن به تجربه^۴، توافق‌پذیری^۵ و باوجدان بودن^۶ نامگذاری گردید (آلیک و هریکوا و رئالو، ۲۰۱۸). بیشتر روان‌شناسان شخصیت، کشف و اعتباریابی پنج عامل را از مهمترین اتفاقات معاصر تلقی می‌کردند. طرفداران این رویکرد ادعا می‌کنند که این صفات اصلی شخصیت، خصوصیات شخصیت را که به‌دقت توسط پژوهشگران مورد توجه بوده است، سازمان می‌دهند (اسدی، دلاور و فرخی، ۱۳۹۵: ۷).

سالیوان با تأکید بر روابط میان‌فردی، معتقد بود شخصیت را هرگز نمی‌توان از مجموعه روابط میان فردی که فرد در آن زندگی می‌کند و در آن موجودیت دارد، جدا کرد (فیست و فیست، ۲۰۰۲: ۲۵۰). از بین عوامل مؤثر بر شخصیت فرد، خانواده اهمیت و نقش بسزایی دارد، به‌علت این که خانواده از نخستین نظام‌های نهادی و عمومی و جهانی است که برای رفع نیازمندی‌های حیاتی و عاطفی انسان در بقای جامعه ضرورت دارد (شکوری، صالحی و خسرو جاوید، ۱۳۹۴: ۶۹). در تعریف خانواده، ساروخانی (۱۳۹۳) می‌گوید: "گروهی از افراد که بر مبنای ازدواج بین دو جنس مخالف شکل می‌گیرد، روابط نسبی (قراردادی یا واقعی) یا سببی بین اعضای آن وجود دارد، نمادی اجتماعی بوده افزون بر کارکردهای زیستی (تولیدمثل)، کارکردهای آموزشی، تربیتی و اقتصادی نیز برای آن متصور است." با توجه به این که شخصیت تحت تأثیر جایگاه افراد در خانواده نسبت به برادر - خواهران قرار دارد، تفاوت سنی بین خواهر - برادرها یا این که اصلاً خواهر - برادر داشته باشند، در معرض موقعیت‌های اجتماعی و رفتار والدین متفاوتی قرار می‌گیرند (شولتز و شولتز، ۲۰۱۳: ۶۶۷).

موقعیتها در نظام‌های خانواده به نقش خانواده یا خرده نظام‌های خانواده (مثل والد، کودک، ناپدری و نامادری، کودک والدگونه)، سن (مثل ترتیب تولد) خلق و خو (مثل تمایل به سازش در مقابل توجه به خواسته خود) و نیز تاریخچه و فرهنگ خانواده بستگی دارد (کونولی و کونولی، ۲۰۰۹: ۴). افراد خانواده، مدل‌های ارتباطی درونی با یکدیگر دارند و ارتباط اعضای خانواده متفاوت است (کوئرنر و فیتز پارک، ۲۰۰۲: ۷؛ نقل از ابراهیمی، صیدی و باقریان، ۱۳۹۲). حال این روابط بین کودکان و والدین و سایر اعضای خانواده را می‌توان به‌عنوان نظام یا شبکه‌ای از بخش‌هایی دانست که درکنش متقابل با یکدیگرند. شبکه^۸، مجموعه‌ای از اتصالات میان اجزای یک واحد است. این اجزای شبکه‌ها، روابط درون و بین سطوح یا واحدهای واقعیت اجتماعی را سازمان می‌دهد؛

بنابراین هر رویکرد شبکه‌ای در قیاس با واحدهایی که به هم متصل شده است، بر اهمیت روابط تأکید می‌کند (فروزان، نقیب السادات، خانیکی و مهدی زاده، ۱۳۹۶:۳۸). نیومن^۱ (۲۰۱۰) شبکه‌ها را مدل‌های مبتنی بر داده‌ها می‌داند که امکان ارائه الگوهای پیچیده داده‌ها را فراهم می‌کنند و اشمیتن و همکاران^۲ (۲۰۱۳) از تحلیل شبکه به‌عنوان ارائه جایگزین برای روش‌های معمول مورد استفاده در تحلیل عامل یاد کرده که با وجود استفاده‌های قبلی در بسیاری از رشته‌های دانشگاهی، اخیراً در مطالعه پدیده‌های روان‌شناختی نیز مورد استفاده قرار گرفته است (وکسلر و همکاران، ۲۰۱۸). استفاده از تحلیل داده‌های شبکه‌ای در حوزه روانشناسی و روانسنجی جدیدترین روش‌شناسی قلمداد می‌شود. روش‌شناسی شبکه امکان مطالعه‌ی همزمان چندین هدف را میسر می‌سازد. این موضوع روان‌سنجان را ترغیب می‌کند تا در سنجش سازه‌های انسانی از شبکه که ابزاری است، برای نشان دادن عناصر یک سیستم و ارتباط درونی آن است، استفاده نمایند (کارینگتون، اسکات و واسرمن، ۲۰۰۵).

شبکه‌های روابط میان افکار، احساسات و رفتارها به‌عنوان مدل شخصیتی و روان‌شناختی مطرح شده است (کنستانتینی، اسکمپ، بورسبوم، پروگینی، متیوس، والدروپ و همکاران، ۲۰۱۵). تحلیل شبکه باید هم روابط رخ داده و هم روابط غیر موجود بین گره‌ها را محاسبه و مطالعه نماید (نورویک و لاکوف، ۲۰۱۱) و این تحلیل مترادف ساختارگرایی است که در مقابل کاهش‌گرایی قرار دارد. در صورتی که از زاویه‌ی دیدگاه شبکه‌ای به روان و شخصیت انسان نگریسته شود، علاوه بر این که اجزاء در تشکیل آن اهمیت دارند، کل شخصیت و روان نیز مهم تلقی می‌شود (ضرغامی، ۱۳۹۳). بنابراین تحلیل شبکه یک ابزار فکری اساسی در مطالعه ساخت‌های اجتماعی است و ساخت اجتماعی تشکیل شده از اجزاء یا واحدهایی که به وسیله روابطی مشخص به هم پیوند خورده‌اند و شبکه‌های تعاملی که اجزاء جامعه را تشکیل می‌دهند (چلبی، ۱۳۷۳). ساخت اجتماعی از سازمان‌ها و گروه‌های در حال کارکرد مثل خانواده از طریق شبکه‌های روابط در جهت ساختارهای پیچیده-

۱. Newmam

۲. Schmittmann

تری در هم تنیده‌اند. تحلیل شبکه ریشه در نظریه‌ی شبکه دارد. این نظریه حوزه‌ای از ریاضیات کاربردی و بخشی از نظریه‌ی گراف است (ضرغامی، ۱۳۹۳). در تحلیل شبکه، شکل و محتوی رابطه بین گره‌ها مورد توجه است. شکل رابطه در برگیرنده‌ی شدت رابطه بین دو گره و میزان درگیری مشترک گره‌ها در فعالیت یکسان می‌باشد، محتوی رابطه در روانشناسی نیز می‌تواند در برگیرنده‌ی حوزه وسیعی باشد. این محتوی می‌تواند معاملاتی، خویشاوندی، عاطفی و غیره باشد (عراقی، طاهری، جزء رضانی، عباسپور و ضرغامی، ۱۳۹۶: ۲۱۲). تحلیل شبکه ضمن تأکید بر بررسی تجربی ساختار اجتماعی به‌عنوان روابط و پیوندها بین کنشگران، برای رسیدن به این هدف اصول، روش‌ها، تکنیک‌ها، ابزارها و حتی موارد تحلیلی خاصی را پیشنهاد می‌کند. در این‌جا داده‌ها از نوع رابطه هستند. به این معنا که واحد تحلیل در این روش رابطه است و نه فرد؛ بنابراین اطلاعات جمع‌آوری شده باید روابط بین افراد (گروه‌ها و...) را و نه خود افراد یا گروه‌ها را توصیف کند و تصویر نهایی‌ای که از شبکه ایجاد می‌شود، نشان‌دهنده‌ی مؤلفه‌ها، عناصر آن‌ها و روابط بین آن‌هاست (باستانی و رئیسی، ۱۳۹۰). همچنین چگونگی تفاوت‌های فردی بر شخصیت و ساختار و ادراک شبکه اثر می‌گذارد. ساختار و ویژگی شبکه به طراحی، نوع شبکه و انواع روابط موجود، بستگی دارد و برای فهم شبکه، درک خصوصیات فردی و ویژگی‌های ساختاری شبکه اهمیت دارد (سلدن و گودی، ۲۰۱۸).

در این مطالعه خانواده هسته‌ای مورد نظر قرار گرفته شده است. میزان ارتباط و قرابت افراد یک خانواده با یکدیگر که به‌صورت یک شبکه گروهی در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند تحت تأثیر عوامل مختلفی قرار دارد که برخی از آن‌ها ذکر شده است؛ اما از آنجا که تعامل ویژگی‌های مختلف افراد با یکدیگر از مهم‌ترین عوامل شکل‌گیری و بقای ارتباط است، ما به علت محدودیت‌های موجود فقط به ویژگی‌های شخصیتی افراد خانواده پرداخته تا بتوان به تعیین ساختار روابط بین اعضای خانواده بر اساس این ویژگی‌ها دست یافت.

روش

روش مطالعه حاضر پیمایشی-اکتشافی است. از آنجایی که هدف مطالعه‌ی حاضر بررسی روابط بین اعضای خانواده بر اساس ویژگی‌های شخصیتی است، مطالعه همبستگی محسوب می‌شود. همبستگی بین افراد بر اساس تحلیل داده‌های شبکه‌ای انجام شده است. جامعه آماری این پژوهش، خانواده‌های دارای دختران دبیرستانی شهر تهران بود که با نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای از بین دبیرستان‌های شهر تهران، انتخاب شدند. در نهایت دو دبیرستان و پنج پژوهش سرا و دو کتابخانه به عنوان خوشه‌های نهایی انتخاب شدند. حجم نمونه، ۴۱۶ نفر در قالب ۱۳۰ خانواده می‌باشند. جنسیت این افراد به تفکیک ۲۶۹ زن و ۱۳۶ مرد گزارش شده است (۱۱ نفر داده گمشده).

جدول ۱. ویژگی‌های جمعیت‌شناخت

موقعیت در خانواده	پدر	مادر	فرزند اول	فرزند دوم	فرزند سوم	جمع کل
تحصیلات	مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن
زیر دیپلم تا دیپلم	۴۵	۳۹	۹۳	۱۹	۳۵	۱۴
کاردانی تا کارشناسی	۲۲	۵۹	۱۸	۵	۱	۱
کارشناسی ارشد	۲۰	۹	۴	۰	۲	۰
دکترای بالاتر	۱۰	۴	۱	۰	۰	۰
جمع کل	۹۷	۱۱۱	۱۱۶	۲۴	۳۸	۱۵

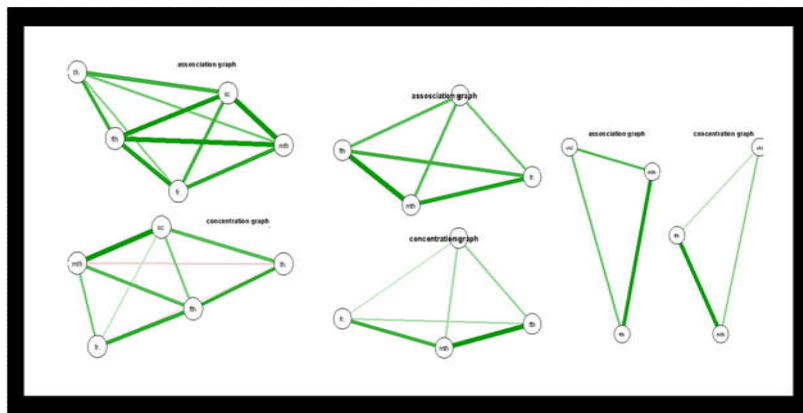
به منظور سنجش ویژگی‌های شخصیتی از فرم کوتاه پرسشنامه نئو (فرم شصت سوالی) استفاده شده است. این آزمون پنج عامل یا حیطه اصلی روان‌رنجوری (N)، برون‌گرایی (E)، انعطاف‌پذیری (O)، دلبذیربودن (A) و مسئولیت‌پذیری یا با وجدان بودن (C) را می‌سنجد. ویژگی‌های روان‌سنجی این پرسشنامه در دنیا و در ایران دال بر پایایی و روایی مطلوب آن است. مک‌کری و کاستا (۲۰۰۴) در مطالعه‌ای که برای تجدید نظر در مقیاس NEO-FFI انجام دادند، ضریب آلفای کرونباخ را برای پنج عامل روان‌رنجورخویی ۰/۸۶، برون‌گرایی ۰/۸۰، بازبودن ۰/۷۵، توافق ۰/۶۹ و وجدانی بودن ۰/۷۹ گزارش کردند. همچنین زیر مقیاس‌های آن نیز همسانی خوبی نشان داده‌اند، به طوری که ضرایب آلفای کرونباخ برای سازگاری ۰/۶۸ تا روان‌رنجورخویی ۰/۸۶ گزارش کردند (به نقل از فتحی آشتیانی و داستانی (۱۳۸۸). گروسی، مهریار و قاضی طباطبایی (۱۳۸۰) که گسترده‌ترین بررسی را روی این ابزار انجام داده‌اند، تأیید کردند که

نسخه کوتاه نئو از روایی و اعتبار خوبی در جمعیت ایرانی برخوردار است. آن‌ها ضرایب پایایی از طریق آلفای کرونباخ را برای عامل‌های روان‌رنجورخویی، برون‌گرایی، گشودگی، توافق‌جویی و مسئولیت‌پذیری به ترتیب ۰/۸۶، ۰/۷۳، ۰/۵۶، ۰/۶۸ و ۰/۸۷ به دست آوردند. داده‌های نهایی گردآوری شده از طریق تکنیک تحلیل داده‌های شبکه‌ای که یک تکنیک مبتنی بر نظریه گراف است، تجزیه و تحلیل شدند. از آنجایی که ساختار روابط در خانواده متأثر از یکدیگر و وابسته به ارتباطات متقابل (دوگانه، سه گانه و....) است، بهترین روش تجزیه و تحلیل مطابق با چنین ویژگی‌هایی، تحلیل شبکه‌ی روابط است. بسته‌های نرم‌افزاری qgraph با هدف ترسیم شبکه‌ی روابط و bootnet به منظور بررسی معناداری روابط شبکه‌ای در نرم افزار R استفاده شده‌اند.

یافته‌ها

یکی از شاخص‌های جمعیت‌شناختی مطالعه حاضر سن افراد شرکت‌کننده است. سن افراد در محدوده‌ی ۱۰ تا ۶۶ ساله با انحراف استاندارد ۱۵/۶۶ و میانگین ۳۳ سال است. توزیع سن یک توزیع دونمایی است که دلیل آن تفاوت سنی بین والدین و فرزندان است. تعداد افراد خانواده نیز یکی دیگر از ویژگی‌های جمعیت‌شناختی است که به طبقه بندی تحلیل‌های استنباطی منجر شده است. در مجموع ۱۱۱ مادر، ۹۷ پدر، ۱۴۰ فرزند اول، ۵۳ فرزند دوم و ۴ فرزند سوم در مطالعه حاضر بودند.

ماتریس مجاروت که در اینجا ماتریس همبستگی پاره‌ای بر اساس ویژگی‌های شخصیتی، بین اعضای خانواده است، به تفکیک تعداد افراد خانواده به عنوان ورودی تحلیل شبکه در نظر گرفته شد. شبکه ارتباطی بین اعضای خانواده، در شکل زیر نشان داده شده است:



نمودار ۱. شبکه ارتباطی بین اعضای خانواده در خانوارهای سه، چهار و پنج نفری بر اساس ویژگی‌های شخصیتی

در این تصاویر mth نشان‌دهنده‌ی مادر، fth پدر، fr فرزند اول، sc فرزند دوم و th فرزند سوم است. association graph شبکه‌ی رابطه‌ی بین اعضای خانواده بر اساس ضرایب پیرسونی و concentration graph شبکه‌ی رابطه بر اساس ضرایب تفکیکی است. ضرایب تفکیکی اثر سایر روابط موجود در پژوهش را از روی یک رابطه برمی‌دارد (رابطه خالص). واحدهای سازنده‌ی هر گراف گره (در اینجا اعضای خانواده) و یال (خط مابین اعضای خانواده) می‌باشند. وجود خط بین هر زوج از افراد خانواده، نشان‌دهنده‌ی معناداری آماری رابطه‌ی شخصیتی بین آن دو فرد است. هر چه ضخامت یال بیشتر باشد، رابطه قوی‌تر است. رنگ سبز و رنگ قرمز در ترسیم یال به ترتیب نشان‌دهنده رابطه‌ی شخصیتی مثبت و رابطه‌ی منفی شخصیتی بین اعضای خانواده است. فاصله‌ی بین اعضای خانواده در تصویر نیز نشان‌دهنده‌ی نزدیکی و دوری ویژگی‌های شخصیتی بین افراد خانواده است.

در خانواده‌های سه و چهار نفره تمامی روابط فی مابین مثبت بود. ولی در خانواده‌های پنج نفره در همبستگی تفکیکی با برداشتن سایر روابط موجود، روابط منفی بین فرزند سوم با فرزند اول و مادر نشان داده شد. رابطه قوی‌تر در خانواده‌های سه، چهار و پنج نفره به ترتیب بین پدر-مادر، پدر-مادر، مادر-فرزند دوم بود.

ماتریس طول کوتاه‌ترین مسیر در ساختار خانواده برای رابطه متمرکز (همبستگی تفکیکی) در خانواده‌ها بصورت ذیل بود:

جدول ۲. طول کوتاه‌ترین مسیر بین اعضای خانواده‌های سه، چهار و پنج نفره (همبستگی تفکیکی)

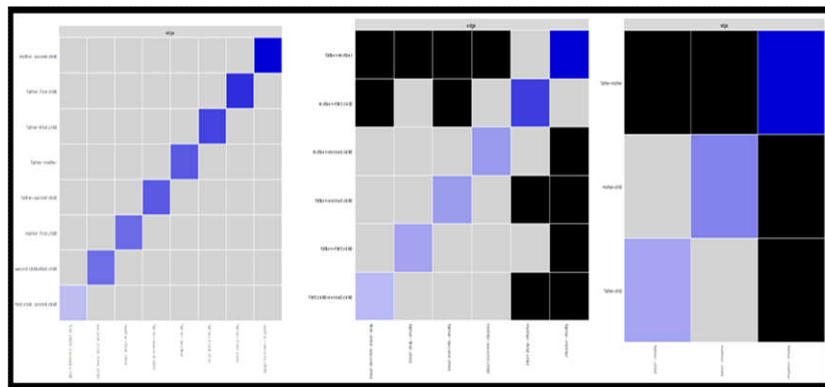
فرزند سوم	فرزند دوم	فرزند اول	مادر	پدر	
		۶/۰۳	۲/۱۶۷	۰	
	۲/۴۷	۲/۱۵	۱/۰۶۲	۰	پدر
۱/۹۱	۱/۵۸	۱/۶۸۶	۱/۰۶۵	۰	
		۴/۴۶۲	۰	۲/۱۶۷	مادر
	۲/۳۷	۱/۸۲	۰	۱/۰۶۲	
۲/۹۷	۱/۵۲۵	۱/۸۲۵	۰	۱/۰۶۵	
		۰	۴/۴۶۲	۶/۰۳	فرزند اول
	۲/۸۶	۰	۱/۸۲	۲/۱۵	
۳/۳۷۶	۲	۰	۱/۸۲۵	۱/۶۸۶	
	۰	۲/۸۶	۲/۳۷	۲/۴۷	
۲/۰۴۱	۰	۲	۱/۵۲۵	۱/۵۸	فرزند دوم
۰	۲/۰۴۱	۳/۳۷۶	۲/۹۷	۱/۹۱	فرزند سوم

ردیف خاکستری روشن، خانواده‌های سه نفره، ردیف خاکستری تیره، خانواده‌های چهار نفره و ردیف مشکی خانواده‌های پنج نفره می‌باشد.

در تمامی خانواده‌ها فرزند آخر (تک فرزند در خانواده‌های سه نفره، فرزند دوم در خانواده‌های چهار نفره و فرزند سوم در خانواده‌های پنج نفره) طولانی‌ترین ارتباط را با سایر اعضا داشت. در خانواده‌ها کوتاه‌ترین مسیر شخصیتی (بیشترین انطباق شخصیتی) بین مادر- پدر است (غیر از فاصله فرزند دوم با پدر و مادر در خانواده‌های پنج نفره که این اختلاف ناچیز به ترتیب برابر است با ۰/۵۱۵ و ۰/۴۶) و این مسیر در خانواده‌های چهار و پنج نفره کوتاه‌تر از سه نفره است. کمترین انطباق شخصیتی (طولانی‌ترین مسیر) به ترتیب در خانواده‌های سه، چهار و پنج نفره بین پدر- فرزند اول، فرزند اول- فرزند دوم و فرزند اول- فرزند سوم است. در مجموع به لحاظ مقدار عددی، فاصله‌ی شخصیتی در خانواده‌های سه نفره بیشتر از دیگر خانواده‌ها بود. با افزایش افراد خانواده، فاصله‌ی شخصیتی پدر و مادر با فرزند اول و دوم کمتر می‌شود (این فاصله بین مادر و فرزند اول در خانواده‌های پنج نفره حدود ۰/۰۰۵ بیش از خانواده‌های چهار نفره است).

به‌منظور بررسی معناداری شاخص‌های ارتباط بین یال‌های مختلف می‌توان از روش‌های بوت استرپ که در بسته‌های نرم‌افزاری bootnet تدوین شده است، استفاده کرد (نمودار ۲). خانه‌های خاکستری رنگ به این معنی است که ارتباط یال به یال‌های

درج شده در سطر و ستون به لحاظ آماری معنادار نیست. خانه‌های به رنگ مشکی نشان‌دهنده‌ی ارتباطات مثبت بین یال‌ها و تفاوت معنادار بین یال‌هاست. رنگ قرمز نشان‌دهنده‌ی نوع ارتباط بین هر کدام از ارتباط دونفره‌ی اعضای خانواده و شدت رنگ نشان‌دهنده‌ی شدت ارتباط بین آن‌ها است. در خانواده‌های سه نفره تمام یال‌ها با یکدیگر اختلاف معنادار دارند به جز یال مادر-فرزند با یال پدر-فرزند؛ یعنی نزدیکی روابط بین تمام زوج افراد خانواده به جز زوج مادر-فرزند با پدر-فرزند معنادار است. به عبارتی به لحاظ آماری تفاوت مشاهده شده در ارتباط شخصیتی بین مادر و فرزند نسبت به رابطه پدر و فرزند، تصادفی است. در خانواده‌های چهارنفره اختلاف ویژگی‌های شخصیتی پدر-فرزند دوم با مادر-فرزند اول به لحاظ آماری معنادار است؛ اما اختلاف ویژگی‌های شخصیتی پدر-فرزند اول با مادر-فرزند دوم به لحاظ آماری معنادار نیست. اختلاف ویژگی‌های شخصیتی مادر-پدر با تمام زوج ارتباطات ممکن به جز مادر و فرزند اول، معنادار است.

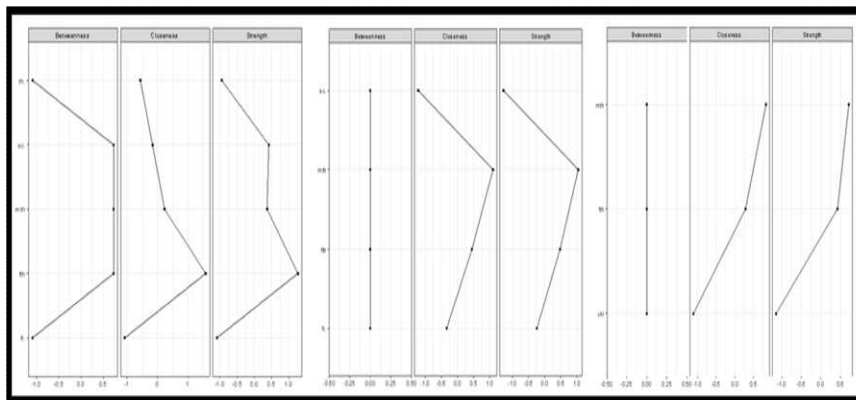


نمودار ۲. بررسی معناداری روابط یال‌های شبکه‌ی ارتباطی اعضای خانواده در خانوارهای سه، چهار و پنج نفری

ضمناً شدت رابطه‌ها بین گره‌های مختلف از پایین به سمت بالا در محور عمودی افزایش می‌یابد. همانطور که ملاحظه می‌شود، رنگ این ارتباطات (در قطر ماتریس) با افزایش شدت رابطه تیره‌تر می‌شود. در خانواده‌های پنج نفره اختلاف ویژگی‌های شخصیتی زوج - زوج افراد خانواده در هیچ موردی به لحاظ آماری معنادار نیست. کمترین ارتباط

معنادار بین گره‌ها ارتباط فرزند اول-فرزند دوم و بیشترین ارتباط بین مادر- فرزند دوم است.

شاخص‌های مرکزیت یک گراف به پژوهشگران شبکه کمک می‌کند تا به اهمیت ارتباطی یک گره و نقش آن در ارتباط بین گره‌های مختلف پی ببرند (نمودار ۳). در خانواده‌های سه نفره مقدار این شاخص، برای همه گره‌ها صفر می‌باشد (بینیت در یک رابطه مثلثی معنادار نیست) ولی شاخص نزدیکی (چگونگی ارتباط غیر مستقیم گره‌ها با یکدیگر) و استحکام (قدرت ارتباط مستقیم گره‌ها با یکدیگر) مادر، بالاترین شاخص را بین سایر اعضا داشت (۰/۱۵۱). این موضوع در مورد خانواده‌های چهار نفره نیز صادق است. در خانواده‌های پنج نفره، بالاترین شاخص بینیت برای پدر، مادر و فرزند دوم است (۲). ولی در مقایسه سایر شاخص‌ها در نهایت بیشترین شاخص مرکزیت متعلق به پدر و سپس مادر است. در این خانواده‌ها، استحکام شخصیتی پدر بیشترین و فرزند سوم کمترین است. پدر به‌علت ارتباط قوی با فرزند سوم، گرهی بود که بالاترین شاخص مرکزیت را داشت.



نمودار ۳. شاخص‌های مرکزیت اعضای خانواده در خانوارهای سه، چهار و پنج نفری (همبستگی‌های تفکیکی)

بنابراین مادر در انسجام شبکه خانواده سه نفره و چهار نفره و تسهیل‌کنندگی ارتباطات شخصیتی در ساختار آن بیشترین اهمیت را داراست. در خانواده‌های چهارنفره بینیت مادر ۲ بوده و سایرین صفر بودند. در سایر شاخص‌های مرکزیت در مجموع، اهمیت یکپارچگی ساختار خانواده پس از مادر به ترتیب به پدر، فرزند اول، فرزند دوم وابسته

است. در این ساختار شبکه ارتباط شخصیتی خانواده، شاخص مرکزیت در خانواده‌های پنج نفره در بنیت ابتدا پدر و سپس مادر و در استحکام شخصیتی بعد از پدر، فرزند دوم و مادر قرار دارند.

بحث و نتیجه‌گیری

مهم‌ترین ویژگی خانواده در مقایسه با سایر نهادها آن است که خانواده یک سیستم عاطفی است که در آن روابط عاطفی و عشق و محبت، تأمین سلامت روان و اعتلای انسان فراهم می‌شود (نوابی نژاد، ۱۳۹۰). نظریه عمومی سیستم‌ها به‌عنوان عمده‌ترین رویکرد در مطالعه ارتباطات خانوادگی طی دو دهه گذشته، خانواده را موجودی می‌داند متشکل از اجزای بهم پیوسته که اولاً، اعضای آن تابعی از رفتار سایر اعضای خانواده بوده و ثانیاً خانواده مانند هر سیستمی متمایل به تعادل است. لذا رفتار اعضای آن در مجموع به گونه‌ای است که تعادل سیستم حفظ می‌شود (مینوچین، ۱۹۷۴). سیستم خانواده، شبکه تعامل‌هایی است که حافظ ثبات و تغییر خانواده بوده و با این‌که رفتار فردی اعضای خانواده را معین می‌سازد خود به وسیله همین رفتارها تعیین می‌شود (هی‌لی، ۱۹۷۶) و همان‌گونه که واگنر و رایس (۱۹۹۵) نیز نشان داده‌اند پیش‌بینی رفتار یک عضو خاص خانواده بدون در نظر گرفتن سایر اعضای خانواده دشوار است.

باتوجه به این‌که محیط خانوادگی سیستمی سازماندهی شده سلسله‌مراتبی و پیچیده است، این سیستم‌های فرعی به هم مرتبط بوده و قابل نفوذ می‌باشند (هوریتز، گانیان، اسپاتس، لیچنستین، ریس و نیدرهیسر، ۲۰۱۱). دیدگاه بوم‌شناختی برنن برنر (۱۹۸۶) بیان می‌دارد که رشد افراد تحت تأثیر ۵ نوع از سیستم‌های محیطی قرار می‌گیرد که از مهمترین آن‌ها میکروسیستم‌هایی مانند خانواده بوده که در مورد زمینه‌های نزدیکی است که مستقیماً افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد (بنگستون، آکوک، آلن، دیلورث-اندرسون و کلین، ۲۰۰۵). به‌صورتی‌که خانواده به صورت یک کل از بخش‌های مرتبط به هم نگریسته می‌شود که در آن اعضاء برهم تأثیر گذاشته و از یکدیگر تأثیر می‌پذیرند (السون، ۱۹۹۹؛ نقل از کیانی و عارفی، ۱۳۹۴).

در یک خانواده هر قدر به تعداد کودکان اضافه شود ساخت و پویایی خانواده نیز تغییر می‌کند (ماسن و همکاران، ۱۹۷۹). ورود فرزند جدید به خانواده و یا مرگ یکی از آنان،

می‌تواند مانند ورود یا خروج یک سیاره جدید از منظومه شمسی، تعادل خانواده را تا حدودی در هم بریزد (شرفی، ۱۳۸۹). طبق دیدگاه مراحل زندگی، تفاوت در زندگی افرادی که در دوره‌های زمانی متفاوت به دنیا می‌آیند، وجود دارد و تفاوت‌های کوچکتر در تجربیات تاریخی مثلاً بین خواهر و برادرها، دیدگاه‌های رشدی ژرف‌تری دارد (بنگستون و همکاران، ۲۰۰۵). در دوران حاضر، خانواده دستخوش تغییرات وسیعی شده که نه تنها نسبت به قرن‌های گذشته، بلکه نسبت به دهه‌های گذشته تفاوت یافته و بر سطوح مختلف خانواده ایرانی و به تبع آن در جامعه تأثیر گذارده است (نوابی نژاد، ۱۳۹۰). در پژوهش حاضر فاصله شخصیتی در فرزندان نسبت به پدر و مادر خصوصاً فرزندان آخر خانواده‌های چهار و پنج نفره مشهود بود که این فاصله با افزایش تعداد اعضای خانواده، با سایرین بیشتر شده بود. همچنین تعداد اعضای خانواده نسبت به گذشته به شدت کاهش یافته به طوری که خانواده‌های بیش از چهارنفر به شدت کاهش یافته‌اند (۸۹٪/۶۶) افراد نمونه، از خانواده‌های سه و چهارنفره بودند.

از مهم‌ترین عواملی که بر بقاء دوام و رشد و عملکرد خانواده اثر می‌گذارد روابط سالم و مبتنی بر سازگاری و تفاهم بین اعضای خانواده به خصوص زن و شوهر است (سینها و مکرجی، ۱۹۹۸ نقل از دریاپر، ۱۳۹۴). همانطور که شرفی (۱۳۸۹) آورده پدر و مادر از لحاظ ارتباط عاطفی، نزدیکترین رابطه را می‌توانند داشته باشند و نقش والدین در خانواده، محوری و مرکزی است و چگونگی روابط فی مابین زوجین اثراتی تعیین کننده در روابط فرزندان با آنان و روابط فرزندان با یکدیگر خواهد داشت. حفظ و تداوم نهاد خانواده در گرو تداوم و سلامت روابط زوجین بوده و ویژگی‌های شخصیتی و عوامل خانوادگی در سازگاری زناشویی تأثیرگذار می‌باشند (احمدی، پناغی و صادقی، ۱۳۹۷). چندین مطالعه نشان داده‌اند که همسانی شخصیت زوجین رضایت ارتباطی بالاتری را پیش بینی می‌کند (اسیتلی، کنی و وینر، ۲۰۰۱؛ کاسپی و هربرنر، ۱۹۹۰؛ نقل از عارفی، محسن زاده، قزلباشیان، صادقی‌پور و شیخ اسمعیلی؛ ۱۳۹۳) و در پژوهش بهبودی، هاشمیان، پاشاشریفی و نوابی نژاد (۱۳۸۸) بین ویژگی‌های شخصیتی و رضایت از زندگی رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد. در این پژوهش بیشترین ارتباط شخصیتی بین پدر و مادر در مقایسه با سایر روابط اعضای خانواده بود و در خانواده‌های چهار نفره نسبت به خانوارهای سه نفره فاصله ارتباطی بین آن‌ها کاهش یافت که می‌تواند حاصل انطباق بیشتر شخصیتی فی مابین بعد از

سال‌ها زندگی بیشتر باشد. ولی در خانواده‌های پنج نفره کمی این طول ارتباطی به نسبت والدین دارای دو فرزند افزایش یافت (مبتنی بر جدول ۲) که با پژوهش عطاری، امان‌الهی فرد و مهرابی‌زاده هنرمند (۱۳۸۵) که در شهر تهران انجام شده بود و نشان دادند که مردان دارای ۲ فرزند رضایت زناشویی بیشتر از ۴ فرزند داشتند و هرچه مدت ازدواج بیشتر باشد رضایت کمتر می‌شود، همسو بود.

با توجه به ارتباطی که در بین اعضای خانواده وجود دارد، ابعاد مختلف شخصیت والدین با ابعاد شخصیت فرزندان ارتباط وجود داشته و رفتار فرد در جامعه بویژه با اعضای خانواده، می‌تواند تابعی مستقیم از الگوهای شخصیت وی باشد (ناظر، مختاری، صیادی و مشایخی، ۱۳۹۵). در میان روابط در خانواده، افرادی همچون آلپورت و کتل عامل والدین را در شکل‌گیری شخصیت مهم تشخیص دادند (شولتز و شولتز، ۲۰۱۳). آلفرد آدلر خانواده را به منظومه‌ای تشبیه می‌کند؛ همان‌گونه که منظومه شمسی دارای مرکزیت و کانون تشعشع خورشیدی است و از آن به سایر عناصر منظومه نور ساطع می‌شود، مرکزیت و کانون منظومه خانوادگی نیز پدر و مادر هستند که تشعشعات عاطفی و گرم خود را در محیط خانواده می‌پراکنند و حیات عاطفی را رونق می‌بخشند (شرفی، ۱۳۸۹). در پژوهش فعلی نیز خانواده‌های سه و چهار نفره ویژگی‌های مرکزیت مادر بیش از سایر افراد خانواده است و ویژگی‌های شخصیتی او در انسجام شبکه‌ی خانواده‌ها از اهمیت بیشتری برخوردار است و پس از آن پدر قرار دارد که با یافته پژوهش ناظر و همکاران (۱۳۹۵) مبنی بر تأثیر بیشتر رگه‌های شخصیت مادر بر فرزند نسبت به پدران، همسو است و همانطور که آدلر می‌گوید وظیفه مادر برقراری رابطه است و پدر در محیط اجتماعی کودک در جایگاه دوم اهمیت قرار دارد (فیست و فیست، ۲۰۰۲). همچنین در پژوهش حاضر رابطه ضعیف بین فرزند سوم با مادر در خانواده‌های پنج نفره نشان داده شد و با نتیجه‌ای که تعارض بیشتر بین فرزندان و مادر است تا فرزندان و پدر که شک و ما (۲۰۰۱) و آلیسون و جیرلین (۲۰۰۴) مطرح کردند، همسو است.

در تحقیقی که به مدت سه سال در مورد خواهر- برادرهای فرزندان اول و دوم اجرا شد، معلوم کرد که نگرش‌ها، شخصیت و فعالیت‌های اوقات فراغت فرزندان دوم بیشتر تحت تأثیر خواهر- برادر بزرگتر آنها قرار داشتند تا والدینشان (مک‌هیل، آپدرگاف، هلمز- اریکسون و کروتر، ۲۰۰۱؛ نقل از شولتز و شولتز، ۲۰۱۳) ولی در پژوهش ما

مرکزیت بالای فرزند دوم و ارتباط معنادار او با مادر در خانواده‌های پنج نفره و برخلاف آن مرکزیت پایین فرزند دوم و فاصله ارتباطی زیاد او با فرزند اول در خانواده چهار نفره نشان داده شد.

در این پژوهش نشان داده شد که فاصله شخصیتی پدر و مادر در بین اعضا کمترین است، ولی در پژوهش اوماسو، اوگاوا، سوگیورا و هاماماتو (۲۰۱۶) این فاصله ۱۳٪ بدون در نظر گرفتن تعداد مختلف اعضای خانواده‌ها بود. همچنین فاصله کوتاه پدر و کودک کمترین تعداد (۲٪) را داشتند و فاصله کوتاه میان مادر و کودک بسیار بیشتر (۲۰٪) بود. این تعداد کم در فاصله بین پدر و کودک در خانواده‌های سه نفره با نتایج این پژوهش همسو بود. همچنین در خانواده‌های چهار نفره بین پدر و فرزند دوم این فاصله بیشتر می‌شد (جدول ۲).

با توجه به این که سنگ بنای شخصیت انسان، در خانواده پی‌ریزی می‌شود (مداحی و صمدزاده، ۱۳۹۰) پژوهش فهیمی و همکاران (۱۳۹۳) نیز حاکی از این بود که ویژگی‌های شخصیتی در روابط عاطفی هر فرد دخیل است. پژوهش بهبودی و همکاران (۱۳۸۸) نشان داد که رابطه‌ی برون‌گرایی با تمامی خرده مقیاس‌ها و مقیاس کلی کارکرد خانواده در زنان و مردان مثبت و معنی‌دار است و بینیت بالای برون‌گرایی با پژوهش‌های گل‌بک، رابلز و ترنر (۲۰۱۱) مبنی بر رابطه مستقیم بین تعداد ارتباطات افراد با میزان برون‌گرایی شخصیتی آنان و پژوهش رابرتز، ویلسون، فدورک و دونبار (۲۰۰۸) مبنی بر ارتباط بین میزان برون‌گرایی افراد و تعداد ارتباطات هر چند غیرچشمگیر یک شخص و پژوهش جینینگ، ژیاووی، لینیووان و هوانگ (۲۰۰۷) که نشان دادند رابطه بین مادر و نوجوان در زمانی که هر دو شخصیت متناظر و برون‌گرا هستند تقویت می‌شود و پژوهش ناکائو، تاکایشی، تاتسوتا، کاتایاما، ایواس، یوریفوجی و دیگران (۲۰۰۰) که نشان دادند تأثیرپذیری شخصیت‌های درون‌گرا از محیط خانواده در کودکان نسبت به افراد برون‌گرا قوی‌تر است و نتایج پژوهش مجتهدی و عاشوری (۱۳۹۴) بر روی پرستاران نشان داد برون‌گرایی، گشودگی نسبت به تجربه، تطابق‌پذیری، وظیفه‌شناسی و الگوی ارتباطی محاوره‌ای نقش مؤثر و رابطه مثبت معنی‌داری با بهبود کیفیت زندگی آنان داشته و الگوی ارتباطی انطباقی و روان‌رنجوری ارتباط معنی‌دار منفی با کیفیت زندگی آنان داشته و سهم روان‌رنجوری در پیش‌بینی زندگی آنان از دیگر متغیرها بیشتر است. همچنین نتایج پژوهش شیخ الاسلامی،

آذرنیور و محمدی (۲۰۱۵) بیانگر آن است که بین صفات شخصیتی برون‌گرایی، انعطاف‌پذیری، دلبذیر بودن و مسئولیت‌پذیری با کیفیت زندگی زنان متأهل رابطه مثبت و معنادار و بین صفت شخصیتی روان‌رنجورخویی با کیفیت زندگی زنان متأهل رابطه منفی معناداری وجود داشت و برون‌گرایی بطور مثبت و روان‌رنجورخویی بطور منفی قابلیت پیش‌بینی کیفیت زندگی زنان متأهل را داشتند که با یافته‌های پژوهشی حمیدی‌گیلاوندی (۲۰۰۷) فلچر، یونترینر و همکاران (۲۰۱۰) همسو بود. پژوهش افندی و سپاهی (۲۰۱۳) نیز نشان داد که جنبه‌های روابط منفی با مادر و پدر پیش‌بینی‌کننده‌های مهمی در تبیین ابعاد روان‌پریشی و روان‌رنجوری هستند. تمامی این پژوهش‌ها حاکی از ارتباط بین ویژگی‌های شخصیتی، کیفیت زندگی و ارتباط خانوادگی بود که با پژوهش حاضر همسو بودند.

پژوهش بر روی خانواده دارای محدودیت‌های فراوانی است که هم در اجرا و هم در روش پژوهش است. در اجرا، مهمترین محدودیت افت زیاد (۶۷ خانواده) بعلت عدم همکاری تمامی اعضای خانواده در پاسخگویی کامل خصوصاً در مورد مشخصات اصلی جمعیت شناختی و همچنین عدم همکاری مدارس بود. محدودیت‌های روش نیز فقدان دسترسی کافی به منابع مورد نیاز به علت نو بودن آن و خودگزارش‌دهی بودن داده‌های به دست آمده از پرسشنامه و عدم کنترل آنها بود. به‌عنوان پیشنهادهای کاربردی با توجه به ارتباطی که بین اعضای خانواده وجود دارد، تدوین برنامه‌های آموزشی و تربیتی و فرهنگی در این راستا جهت اثرگذاری بهتر اشاره کرد. همچنین توجه به جایگاه مادر و سپس پدر به عنوان مهمترین و مرکزی‌ترین فرد در خانواده ایرانی و اتخاذ تدابیر و راهکارهای تربیتی و آموزشی جهت کاهش فاصله ارتباطی فرزندان خصوصاً کوچکترین آن‌ها با افراد بزرگتر خانواده و ارتقا و بهبود این روابط، پیش‌بینی روابط موجود در خانواده هسته‌ای در صورت فقدان یکی از اعضا، مشاوره و هدایت خانواده‌ها با توجه به فاصله ارتباطی بین اعضای خانواده و ویژگی‌های شخصیتی آنان و در پیشنهادهای پژوهشی می‌توان به مواردی چون تعیین ساختار بر اساس دیگر ویژگی‌های روان‌شناختی، انجام پژوهش در نمونه‌های بزرگتر و مناطق مختلف و یا سطوح کلان‌تر اشاره نمود.

با توجه به این که برخی کودکان در خانواده‌های طلاق، تک والدی و یا والدینی که ازدواج مجدد داشته‌اند زندگی می‌کنند ضربه و یا تحولاتی را که از این رخدادها زندگی

بر اساس سن، نسل و مرحله زندگی افراد مختلف تجربه می‌کند، تأثیرات گوناگونی بر انتظارات اجتماعی، ارزش‌ها و باورها و سازگاری آن‌ها داشته بصورتی که فرد و خانواده را در تصمیم‌گیری هدایت کرده و بر واکنش اعضای خانواده و دیگران مؤثر است. از آنجایی که امکان حذف یا اضافه گره برای مطالعه بیشتر در تحلیل شبکه وجود دارد، می‌توان ساختار خانواده را بر اساس شخصیت افراد آن با حذف گرهی، مجدداً مطالعه نموده و از این قابلیت برای شبیه‌سازی جدید استفاده نمود.

منابع

- ابراهیمی، محمد؛ صیدی، محمد سجاد؛ و باقریان، فاطمه. (۱۳۹۲). معنویت و راهبردهای مقابله‌ای در خانواده: آزمون نقش واسطه‌ای کیفیت ارتباط خانواده. *فصلنامه پژوهش در سلامت روانشناختی*، ۷(۳)، ۲۰-۱۱.
- احمدی، لیلا؛ پناغی، لیلی؛ صادقی، منصوره السادات. (۱۳۹۷). رابطه خود مختاری و صمیمیت خانواده مبدأ با سازگاری زناشویی: نقش عوامل شخصیتی. *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، ۱(۵۳)، ۵۶-۳۹.
- اسدی، رقیه؛ دلاور، علی و فرخی، نورعلی. (۱۳۹۵). تدوین مدل ساختاری برای هوش معنوی بر اساس ویژگی‌های شخصیتی و بهزیستی ذهنی. *فصلنامه اندازه‌گیری تربیتی*. ۷(۲۵). ۲۸-۱.
- باستانی، سوسن. و رئیس، مهین. (۱۳۹۰). روش تحلیل شبکه: استفاده از رویکرد شبکه‌های کل در مطالعه اجتماعات متن باز. *مجله مطالعات اجتماعی ایران*، ۵(۶)، ۵۷-۳۱.
- بنگستون و. ل؛ آکوک، آ.س؛ آلن، ک. ر؛ دیلورث-اندرسون، پ. و کلین، د. م. (۲۰۰۵). *دایره المعارف خانواده (نظریه‌ها و روش‌ها)*. ترجمه عالیه شکر بیگی و شهلا مهرگانی. تهران: انتشارات جامعه‌شناسان. (۱۳۹۳).
- بهبودی، معصومه؛ هاشمیان، کیانوش؛ پاشا شریفی، حسن. و نوابی نژاد، شکوه. (۱۳۸۸). پیش‌بینی کارکرد خانواده بر اساس ویژگی‌های شخصیتی زوجین. *اندیشه و رفتار*. ۱۱(۶۶)، ۳-۵۵.
- چلبی، مسعود. (۱۳۷۳). تحلیل شبکه در جامعه‌شناسی. *فصلنامه علوم اجتماعی*، ۳(۱۳۹۵)، ۴۸-۹، (۵۶).

- دریابر، جواد. (۱۳۹۴). رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی و الگوهای ارتباطی خانواده با کارکرد خانواده در زوجین شهرداری‌اراب. پایان نامه کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت.
- ساروخانی، باقر. (۱۳۹۳). مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده. (چاپ بیست و یکم) انتشارات سروش.
- شولتز، دوان پی. و شولتز، سیدنی ال. (۲۰۱۳). نظریه‌های شخصیت. ترجمه یحیی سید محمدی. ویراست دهم، نشر ویرایش.
- شرفی، محمدرضا. (۱۳۸۹). دنیای نوجوان. چاپ پانزدهم، مؤسسه فرهنگی منادی تربیت. شکوری، شعله؛ صالحی، ایرج. و خسرو جاوید، مهناز. (۱۳۹۴). مقایسه خود نظم‌بخشی، ویژگی‌های شخصیتی، کارکرد خانواده در دانش‌آموزان دختر تیزهوش، باهوش متوسط و هنرستانی. فصلنامه تحول روان‌شناختی کودک، ۱(۳)، ۷۶-۷۹.
- شیخ الاسلامی، علی؛ آذرنیور، سیده ساره. و محمدی، نسیم. (۱۳۹۴). پیش‌بینی کیفیت زندگی زنان متأهل براساس دانش و نگرش جنسی و صفات شخصیت. مجله سلامت و مراقبت، ۱۷(۳)، ۲۶۹-۲۶۰.
- ضرغامی، محمدحسین. (۱۳۹۳). کاربرد تحلیل داده‌های شبکه‌ای در یکپارچه‌سازی مؤلفه‌های مؤثر در مشاوره و هدایت شغلی و ارائه الگوی علمی مشاوره شغلی بر اساس آن. پایان‌نامه دکتری دانشگاه علامه طباطبایی.
- عارفی، مختار؛ محسن زاده، فرشاد؛ قزلباشیان، زهرا؛ صادق‌پور، آتوسا. و شیخ اسمعیلی، دنیا. (۱۳۹۳). همسانی شخصیتی، پنج عامل بزرگ شخصیت و رضایت زناشویی. فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده، ۴(۳)، ۵۶۹-۵۵۱.
- عراقی، لادن؛ طاهری، آزاده؛ جزء رضانی، زهرا؛ عباسپور، افروز و ضرغامی، محمد حسین. (۱۳۹۶). تحلیل داده‌های شبکه‌ای در فرآیند تحلیل سؤال. فصلنامه اندازه‌گیری تربیتی. ۷(۲۸)، ۱۶۰-۱۴۳.
- عطاری، یوسفعلی؛ امان الهی فرد، عباس؛ مهربانی‌زاده هنرمند، مهناز. (۱۳۸۵). بررسی رابطه ویژگی‌های شخصیتی با عوامل فردی-خانوادگی و رضایت زناشویی در بین کارکنان اهواز. مجله علوم تربیتی و روانشناسی. دانشگاه شهید چمران اهواز. ۱۳(۱)، ۸۱-۱۰۸.

- فتحی آشتیانی، علی؛ و داستانی، محبوبه. (۱۳۸۸). *آزمون‌های روان‌شناختی: ارزشیابی شخصیت و سلامت روان*. تهران: انتشارات بعثت.
- فروزان، حامد؛ نقیب السادات، رضا؛ خانیکی، هادی. و مهدی زاده؛ سید محمد. (۱۳۹۶). طرح‌واره (مدل) شبکه ارتباطی تربیت محور مبتنی بر اندیشه اسلامی در ایران. *فصلنامه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی*. ۲۴ (۳۳)، ۳۱-۶۶.
- فهیمی، صمد؛ عظیمی، زینب؛ اکبری، ابراهیم؛ امیری پیجا کلایی، احمد. و پورشریفی، حمید. (۱۳۹۳). پیش‌بینی نشانگان بالینی در دانشجویان دارای تجربه شکست عاطفی بر اساس ساختارهای شخصیتی. نقش تعدیل‌کننده حمایت اجتماعی ادراک‌شده. *مجله دانش و تندرستی*، ۹ (۴)، ۴۶-۵۹.
- فیست، جس؛ گریگوری جی. (۲۰۰۲). *نظریه‌های شخصیت*. ترجمه یحیی سید محمدی. (۱۳۸۸). چاپ چهارم، تهران: نشر روان.
- کونولی، کولی دلبلیو. و کونولی، جین کلور. (۲۰۰۹). *خانواده‌درمانی مثبت*. ترجمه مصطفی تبریزی، سیما قدرتی و صدیقه احمدی. (۱۳۸۹). چاپ اول، نشر ارسباران.
- کیانی، نرگس. و عارفی، مختار. (۱۳۹۴). مدل تحلیل مسیر روابط میان انسجام و انعطاف‌پذیری خانواده، تاب‌آوری و سلامت روانی دانشجویان. *فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده*، ۵ (۳)، ۲۲-۴۹.
- گروسی فرشی، میرتقی؛ مهریار، امیر هوشنگ؛ قاضی طباطبایی، سید محمود. (۱۳۸۰). کاربرد آزمون جدید شخصیتی نئو (NEO) و بررسی تحلیل ویژگی‌ها و ساختار عاملی آن در بین دانشجویان دانشگاه‌های ایران. *مجله علوم انسانی الزهراء*. ۱۱ (۳۹)، ۱۷۳-۱۹۸.
- ماسن، پاول؛ هنری، کیگان؛ جروم، هوستون؛ آلتا، کارول؛ کانجر، جان جین وی. (۱۹۷۹). *رشد و شخصیت کودک*. ترجمه مهشید یاسایی. (۱۳۹۶). چاپ بیست و دوم، نشر مرکز.
- مجتهدی، مهشید، و عاشوری، جمال. (۱۳۹۴). نقش صفات شخصیت و الگوهای ارتباطی خانواده در پیش‌بینی کیفیت زندگی پرستاران بیمارستان‌های شهید مفتاح و پانزده خرداد شهرستان ورامین. *مجله علمی پژوهان*، ۱۴ (۳).

- مداحی، محمد ابراهیم، و صمدزاده، منا. (۱۳۹۰). سبک‌های تربیتی ورگه‌های شخصیت. *اندیشه و رفتار*. ۶ (۲۱).
- مینوچین، سالوادور. (۱۹۷۴). *خانواده و خانواده‌درمانی*. ترجمه باقر ثنایی. (۱۳۹۵)، چاپ یازدهم، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- ناظر، محمد؛ مختاری، محمدرضا؛ صیادی، احمدرضا و مشایخی، فاطمه. (۱۳۹۵). پیش‌بینی ویژگی‌های شخصیت فرزندان بر اساس سبک‌های فرزندپروری و ارتباط آن با پنج عامل بزرگ شخصیت والدین. *مقاله پژوهشی سلامت جامعه*، ۱۰ (۱)، ۲۹-۳۹.
- نوابی نژاد، شکوه. (۱۳۹۰). *آسیب‌ها و الگوهای مطلوب خانواده*. کتاب اندیشه‌های راهبردی، زن و خانواده. از مجموعه مقالات اولین کنگره ملی روان‌شناسی خانواده. دانشگاه شهید چمران اهواز. ۱۰۴۴-۱۰۵۸.
- هی‌لی، جیلی. (۱۹۷۶). *روان درمانی خانواده*. ترجمه باقر ثنایی. (۱۳۹۳). چاپ اول، انتشارات امیرکبیر.
- Allik, J., H. vreb'ičková, M., & Realo, A. (۲۰۱۸). Unusual Configurations of Personality Traits Indicate Multiple Patterns of Their Coalescence. *Frontiers in Psychology*, ۹, ۱۸۷.
- Carrington, P. J., Scott, J., & Wasserman, S. (۲۰۰۵). Models and methods in social network analysis. *Cambridge: Cambridge Univ Pr CrossRef Google Scholar*.
- Corr, Philip J.; Matthews, Gerald (۲۰۰۹). *The Cambridge handbook of personality psychology* (۱. publ. ed.). Cambridge: Cambridge University Press. ISBN ۹۷۸-۰-۵۲۱-۸۶۲۱۸-۹.
- Costantini, Giulio and Epskamp, Sacha and Borsboom, Denny and Perugini, Marco and Mttus, R. and W. (۲۰۱۵). State of the aRt personality research: A tutorial on network analysis of personality data in R. *Journal of Research in Personality*, ۵۴, ۱۳-۲۹.
- Efendić-Spahić, T. (۲۰۱۳). Quality of family interactions and adoles-cent' personality traits. *Human: Journal for Interdisciplinary Studies*, ۳(۱), ۶-۱۲
- Golbeck, J., Robles, C., & Turner, K. (۲۰۱۱). Predicting personality with social media. In *CHI'11 extended abstracts on human factors in computing systems* (pp. ۲۵۳-۲۶۲).
- Jingjing Wan, Xiaoyi Fang, Linyuan Deng, Lina Huang (۲۰۰۷). "The Relationsh among Personality Match of Mother and Adolescent, Personality Favor and Mother-Adolescent Communication. *publish in oalib journal*. ۳۹(۲), ۲۶۷ - ۲۷۶.
- Nakao, K., Takaishi, J., Tatsuta, K., Katayama, H., Iwase, M., Yorifuji, K., & Takeda, M. (۲۰۰۰). "The influences of family environment on

- personality traits". *Psychiatry and Clinical Neurosciences*, ۵۴(۱), ۹۱-۹۵. <https://doi.org/10.1046/j.1444-1819.2000.00642>.
- Newman, M. E. J. (۲۰۱۰). "*Networks: An introduction*." New York: Oxford University Press.
- Omasu, F., Ogawa, Y., Sugiura, Y., & Hamamoto, M. (۲۰۱۶). "The Influence of the Psychological Distance between Family Members on Personality Formation." *Open Journal of Preventive Medicine*, ۶(۱۰), ۲۲۲-۲۳۲. <https://doi.org/10.4236/ojpm.2016.610021>.
- Horwitz, B. N., Ganiban, J. M., Spotts, E. L., Lichtenstein, P., Reiss, D., & Neiderhiser, J. M. (۲۰۱۱). The Role of Aggressive Personality and Family Relationships in Explaining Family Conflict. *Journal of Family Psychology*, ۲۵(۲), ۱۷۴-۱۸۳. <https://doi.org/10.1037/a0023049>
- Roberts, S. G. Wilson, R. Fedurek, P. and Dunbar R. (۲۰۰۸). "Individual differences and personal social network size and structure." *Personality and Individual Differences*, ۴۴, ۹۵۴-۹۶۴.
- Selden, M., & Goodie, A. S. (۲۰۱۸). "Review of the effects of Five Factor Model personality traits on network structures and perceptions of structure." *Social Networks*, ۵۶, ۸۱-۹۹. <https://doi.org/10.1016/j.socnet.2017.05.007>.
- Wagner, B. M., & Reiss, D. (۱۹۹۵). Family Systems and Developmental Psychopathology: Courtship, marriage, or divorce? In D. Cicchetti & D. J. Cohen (Eds). *Developmental Psychopathology*. Vol, ۱, ۶۹۶- ۷۳۰. New York: Wiley
- Wechsler, S.M; Benson, N. Machado, W.d,L; C. M. D. B. and E. F. G (۲۰۱۸). "Adult temperament styles: a network analysis of their relationships with the Big Five Personality Model." *European Journal of Education and Psychology*, ۱۱, ۱۶۱-۷۵. Retrieve from <https://www.researchgate.net/publication/323334076>.